



اول ماه مه (May) در تقویم سال‌های میلادی به مناسبت روز جهانی کارگر نام‌گذاری شده است و برحسب بزرگداشت مقام کارگران و نقش آنان در پیشرفت اقتصادی کشورهای جهان این‌ها را برگزار می‌شود. این نام‌گذاری مختص جامعه غرب و به دلیل سابقه مبارزات کارگران برای احقاق حقوق اجتماعی- طبقات کارگر در ایران یا مستمعان؟

۶



وقف میراث مکتوب، یکی از فاکتورهای مهم برای نیکوکاری و غیرخواهی است که بشر با استفاده از آموزه‌های انبیا آن را از دیرباز به وجود آورده است. وقف یکی از نیکوهای سترگ و همیشه سود رسان است که از نظر اخلاقی، بارزترین تجلی روحیه‌ی تعاون اجتماعی و پیشی‌گرفتن در نیکو‌ها شمرده می‌شود.

۴

وقف میراث علمی

مرغ مزرعه‌ی باز، نمادی از اقتصاد مقاومتی و حمایت از کالای ایرانی

دکتر علیرضا احسانی از اساتید گروه طیور دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس هستند که موفقیت اخیرشان ما را ترغیب کرد تا مصاحبه‌ای در فضای سبز در کنار تولید طبیعی‌شان با ایشان داشته باشیم. دکتر احسانی چندین سال به دنبال راهی بود تا اقتصاد روستاییان را رونق بدهد تا اینکه طرحی نو به کمک همکاران گروه علوم دامی ایجاد کرد تا برای درآمد روستاییان منبعی جدید فراهم شود و مهاجرت بی‌رویه روستاییان برای افزایش درآمد کاهش یابد. در ادامه با ما همراه باشید تا مصاحبه را بخوانیم، شاید بهانه‌ای باشد تا جرعه‌ای در ذهن شما به وجود بیاید و برای پیشبرد اهدافتان آمیدی جدید بیابید. هیچ تلاش و کوششی با هدفی معین بی‌نتیجه نمی‌ماند.

بنده علیرضا احسانی فارغ التحصیل رشته ژنتیک و اصلاح نژاد دام هستم. دوره‌ی کارشناسی و ارشد خود را در دانشگاه‌های کردستان و زنجان و همین‌طور دوره‌ی دکتری را در دانشگاه آروس دانمارک گذرانده‌ام. از سال ۱۳۹۲ نیز به عنوان هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس مشغول به خدمت می‌باشم. من از همان اوایل بازگشت به ایران، دنبال راهی علمی و عملی بودم که توسط آن بتوانم به اقتصاد روستاییان کمک کرد تا منبع درآمدی قابل دسترس برایشان ایجاد شده و از مهاجرت بی‌رویه‌ی این قشر جامعه از روستاها جلوگیری شود. که بعد از آزمایش راه‌های مختلف، در نهایت به همراه همکاران گروه علوم دامی به این نتیجه رسیدیم که بر روی مرغ بومی پژوهش‌چندانی در کشور انجام نشده و می‌توان با اصلاح نژاد این مرغ، به اقتصاد خانوار روستایی کمک نمود.



۱۲

۲ آیین تجلیل از مدل آوران و برترین‌های ورزش دانشگاه در سال ۹۶ برگزار شد

۳ درنمایشگاه کتاب شور عجیبی به پا بود

۵ پناهگاهی برای امنیت

۷ نه اینکه فکر کنی مرهم احتیاج نداشت

۸ لاتاری، امیرعلی، داروغه‌زاده، من، فیلشاه و دیگران ...

۹ در MRI چه خبر؟

۱۰ لطفا به کسی برنخورد!

۱۱ سبک زندگی زینبی

چهارمین پیش نشست کنگره بین‌المللی "توسعه و تعالی علوم بر پایه عقلانیت و حیانی" برگزار شد

به بیان مطالبی ارزشمند پرداخته و از منظر خود زوایای موضوع را تبیین نمودند.

در خلال بحث برخی از دانشجویان و اساتید شرکت‌کننده نیز مختصراً نقطه نظرات خود را بیان داشته و سوالاتی را مطرح کردند که اساتید مدعو پاسخ دادند.

از جمله مباحث طرح شده در این جلسه می‌توان به "تبیین عبارت عقلانیت و حیانی" و "نسبت بین عقل و نقل" اشاره کرد. به علاوه معرفی دیدگاه‌های مکاتب فلسفی و بیان آراء علامه جوادی آملی (زید عزه) از دیگر مطالب مطروحه بود.



در پایان ضمن تقدیم هدیه و لوح تقدیر به اساتید مدعو از سوی معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس، قرار بر این شد که این سلسله نشست‌ها با حضور فعال نخبگان ادامه یابد.

دکتر میرخانی از ساعت ۱۴ در تالار میرحسینی دانشکده علوم انسانی آغاز شد و حدود چهار ساعت به طول انجامید. در این نشست که با استقبال اساتید و دانشجویان علاقه‌مند مواجه شد، هریک از مدعوین

این برنامه با موضوع "رسالت دانشگاه در توسعه علوم با محوریت عقلانیت و حیانی" و با حضور اساتید اندیشمند آقایان حجت‌الاسلام دکتر پارسانیا، حجت‌الاسلام دکتر فلاح رفیع، دکتر حکمت‌نیا و خانم

چهارمین پیش نشست کنگره بین‌المللی "توسعه و تعالی علوم بر پایه عقلانیت و حیانی" با تکیه بر اندیشه‌های علامه جوادی آملی (زید عزه) به میزبانی دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد.

آیین تجلیل از مدل آوران و برترین های ورزش دانشگاه در سال ۹۶ برگزار شد

ایجاد دوره های دکتری جدید دانشگاه با شرط توقف یکی از دوره های دکتری موجود



در آغاز این نشست دکتر احمدی ضمن تبریک میلاد با سعادت امام مهدی (عج) در سخنانی به افتتاح خوابگاه دانشکده منابع طبیعی نور اشاره و اظهار داشت: دانشکده منابع طبیعی نور با وجود بهره مندی اساتیدی بسیار توانمند، از نظر تعداد دانشجو رشد متناسبی نداشته و نسبت استاد به دانشجو در آن ۱ به ۷ بوده و رشد تعداد دانشجویان به دلیل محدودیت های خوابگاهی موجود به میزان مطلوب نبود. برای حل این مشکل به همت معاونت دانشجویی دانشگاه و دکتر ریاحی رئیس دانشکده منابع طبیعی و علوم دریایی، خوابگاهی با ظرفیت ۲۰۰ نفر در دانشکده ساخته شد که بخشی از منابع آن از درآمدهای دانشگاه و دانشکده و بخش کمتری نیز از سوی وزارت علوم تامین شد که امیدواریم افتتاح این خوابگاه گشایش خوبی برای دانشکده از نظر جذب دانشجویان خوب داشته باشد.

وی با اشاره به طرح همترازی دانشگاه و رسیدن به تراز ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان طی ۵ سال آینده گفت: ما به عنوان یکی از کاندیداهای وزارت علوم برای اجرای این طرح، برنامه مشترکی را با وزارت علوم تعریف کردیم. وزارت علوم برنامه مهم و اصلی خود در خصوص اقتصاد مقاومتی را ارتقای ۵ دانشگاه برتر کشور به تراز ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان تعریف نموده است و بودجه مشخصی را نیز برای آن تعریف کرده و این برنامه جزء اهداف مهم وزارت برای برنامه ششم توسعه می باشد.

دکتر احمدی در بخش دیگری از سخنان خود به مصوبه اخیر وزرات علوم در خصوص توقف توسعه دوره های دکتری در کشور اشاره و تصریح کرد: طبق این مصوبه توسعه دوره های دکتری در کشور متوقف می شود و تنها در دانشگاه های برتر نوع یک این موضوع متوقف نخواهد شد و ایجاد دوره های دکتری جدید در این دانشگاه ها هم با شرط توقف یکی از دوره های دکتری موجود خواهد بود و معاونت آموزشی و دفتر برنامه ریزی، گسترش و بازنگری دانشگاه نیز برنامه های جدید دوره دکتری را با شرط فوق می تواند تعریف کند.

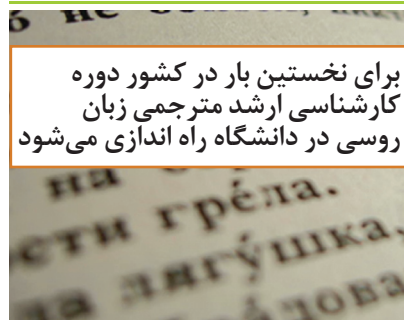


دانشگاه تربیت مدرس است و در مجموع تیم های دانشگاه تربیت مدرس نسبت به سال گذشته در مسابقات برون دانشگاهی با قدرت بیشتری ظاهر شدند.

دومیدانی دانشجویان منطقه یک کشور، کسب عنوان قهرمانی مسابقات دژبال بانوان کارکنان دولت و کسب مقام دومی تیم آقایان در رشته آمادگی جسمانی در مسابقات کارکنان دولت از جمله افتخارات

در ابتدای این مراسم دکتر رستگار به ارائه گزارش کوتاهی از فعالیت یک ساله مرکز تربیت بدنی دانشگاه پرداخت و گفت: در سال ۹۶ برنامه های متنوعی از جمله برگزاری مسابقات و لیگ های داخلی، حضور در مسابقات مختلف خارج دانشگاه، برگزاری کلاس های فوق برنامه، کلاس های ورزشی ویژه فرزندان کارکنان دانشگاه، برنامه های کوهنوردی، همایش های ورزشی همگانی، ارزیابی بدنی دانشجویان و ... توسط مرکز تربیت بدنی با مشارکت ورزش دوستان اجرا شد.

دکتر رستگار به درخشش تیم های ورزشی دانشگاه تربیت مدرس در مسابقات برون دانشگاهی اشاره کرد و گفت: در سال ۹۶، ورزشکاران دانشگاه در مسابقات برون دانشگاهی از جمله المپیاد ملی ورزش های همگانی در دانشگاه تهران (در بخش بانوان و آقایان)، در مسابقات کارکنان دانشگاه های منطقه یک کشور، مسابقات منطقه یک دانشجویان کشور و مسابقات کارکنان دولت حضور پررنگی داشتند. کسب مقام سوم رشته



برای نخستین بار در کشور دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان روسی در دانشگاه راه اندازی می شود

در این نشست بررسی درخواست راه اندازی دوره کارشناسی ارشد «مترجمی زبان روسی» از سوی دکتر مینایی مدیر برنامه ریزی، گسترش و بازنگری مطرح شد.

دکتر مینایی با اشاره به دلایل توجیهی این رشته اظهار داشت: با توجه گسترش فزاینده روابط جمهوری اسلامی ایران با روسیه در زمینه های مختلف، نیاز به آمادگی کادر متخصص که توانایی ترجمه از دو زبان را در حوزه های گوناگون داشته باشند، کاملاً احساس می شود. همچنین با توجه به اهداف کشور در جهت نیل به خودکفایی در زمینه تربیت افراد متخصص و متعهد و نیاز روزافزون موسسات آموزش عالی کشور به کارشناسان ارشد مترجمی زبان روسی، تاسیس این دوره ضروری به نظر می رسد تا دانش آموختگان آن با کسب مهارت های لازم بتوانند به سایر موسسات در امر ترجمه، تحقیق، آموزش و برنامه ریزی یاری برسانند.

وی در ادامه در خصوص اعضای هیات علمی ثابت گروه، رشته های دایر در گروه، برنامه درسی رشته، امکانات گروه، سابقه رشته در دانشگاه تربیت مدرس و سایر دانشگاه ها و ... مطالبی را عنوان کرد.

در ادامه پس از بررسی موضوع از سوی اعضای شورا راه اندازی دوره کارشناسی ارشد «مترجمی زبان روسی» با اکثریت آرا به تصویب رسید.

مسابقه بزرگ کیک پزی به مناسبت میلاد حضرت مهدی موعود (عج) در دانشگاه



کارمندانی که از قبل جهت حضور در این مسابقه ثبت نام کرده بودند، با هم به رقابت پرداختند. در پایان پس از ارزیابی و تست کیک ها از سوی هیات داوران مسابقه، نفرات برتر در دو گروه مجزا شامل افرادی که بدون استفاده از فر و شرکت کنندگانی که با استفاده از فر اقدام به پخت کیک نموده بودند، معرفی شدند.

پس از پایان ارزیابی داوران، کیک های ارائه شده در مسابقه در میان دانشگاهیان توزیع شد.

گفتنی است، به نفرات اول مسابقه مبلغ ۲۰۰ هزار تومان، نفرات دوم ۱۵۰ هزار تومان و نفرات سوم ۱۰۰ هزار تومان جایزه تعلق گرفت.

رئیس دانشگاه، معاون پشتیبانی و منابع انسانی، مدیر امور اداری و جمعی از مسئولان، کارکنان و دانشجویان دانشگاه با حضور در این مراسم از کیک های ارائه شده در این مسابقه دیدن کردند.

دکتر احمدی رئیس دانشگاه در حاشیه بازدید از این مراسم ضمن اظهار خرسندی از برگزاری چنین مسابقات و مراسم های شادی در دانشگاه ابراز امیدواری کرد: چنین مراسم شاد و مفرحی به مناسبت های مختلفی در دانشگاه برگزار شود و همواره شاهد حضور حداکثری دانشگاهیان در این مراسم باشیم.

در این مسابقه ۴۵ نفر از دانشجویان و

بهارت خوش که فکر دیگرانی

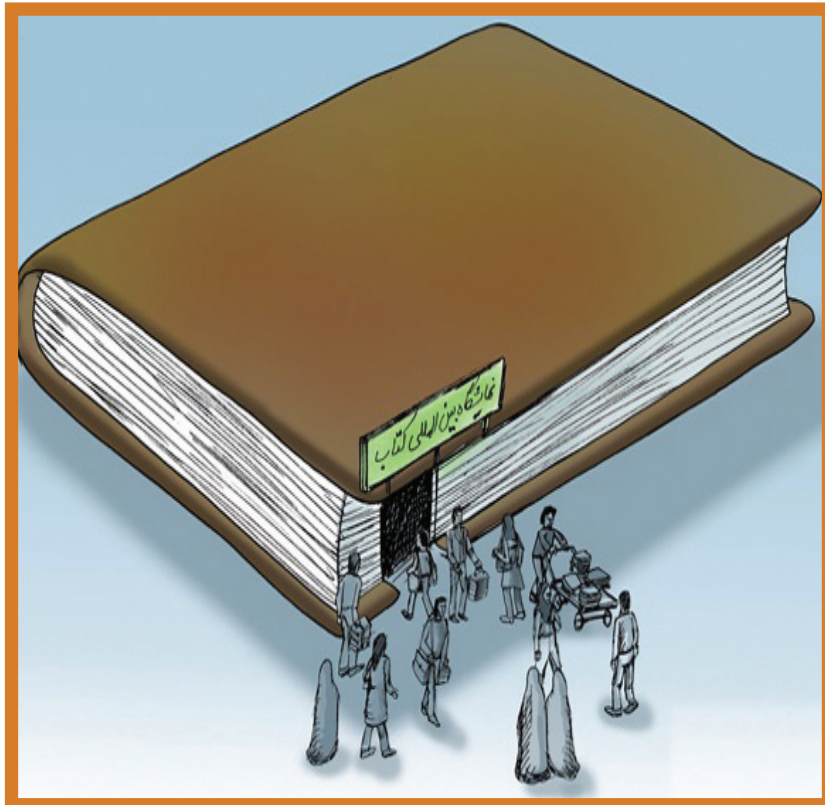


تقویم سال پیش را نگاه می‌کنم به سومین حادثه که نه فاجعه‌ای که گذشت می‌رسم، ناتوان از دیدن باقی آنها باز می‌مانم. آنچه را که بر ما گذشت را توان تغییر نیست، اما گذر زمان نه تنها فرصتی است برای ایجاد یک شروع تازه بلکه برای فهمیدن و جبران آن است. هر چند که جبران کردن گذشته یارای بازگرداندن آنچه را که از دست داده‌ای را نخواهد داشت. روزهای آغازین بهار است با خود زمزمه سوگواری گذشته دارم که جوانه‌ای را می‌بینم که از دل سنگی سخت گل کرده است. طبیعتی که تا چندی پیش زمستان سختی را تجربه کرده بود یکباره بهاری دلنشین را تجربه می‌کند، لباس نو بر تن می‌کند و در زیباترین زمان هستی بار دیگر راهش را آغاز می‌کند.

ما نیز در بهار زندگی‌مان به سر می‌بریم، در روزهای نخست سالی جدید شناسی دیگر برای شروعی تازه داریم، می‌توانیم سالی را تحویل کنیم که به دنیای بهتری که در ذهن‌مان داریم نزدیک‌تر شویم، دنیایی که در آن بیماری و فقر و بی‌مسئولیتی کمتر باشد سلامتی، محیطی پاک، ثروت و آرامش و امنیت حقیقی بیشتری باشد، دنیایی که حتی اگر برابری در آن نیست عدالت اجرا شود، دنیای بهتری که حق تمام انسانها است نه تنها آنان که قدرت و پول بیشتری دارند. دنیایی که با به انتظار نشستن و افسوس بدست نمی‌آید، می‌دانم توان همه انسانها در یاری رساندن به یکدیگر یکسان نیست و مشکلاتی که امروزه مردم درگیر آن هستند بسیار است. اما گاهی حتی با هدیه کردن لبخند یا یک برخورد خوب ما هم روز سخت یک نفر را می‌توان قابل تحمل‌تر کرد. چه خوب می‌شد اگر امسال کمی با همدلی بیشتر تنها به خودمان فکر نکنیم، وقتی کاری می‌کنیم که شادی و راحتی ما را افزون می‌کند مراقب باشیم آسایش کسی را به هم نزده باشیم. اگر امروز نوبت ماست فردا نیز دست روزگار این جایگاه را به فرد دیگری می‌دهد. یادمان باشد کارهای کوچک ما اثرات بزرگی بر هستی دارد شاید به یکباره تغییر شگرفی نبینیم اما... اما از صمیم قلب آرزو می‌کنم آنچه امروز ما انجام می‌دهیم فردای بهتری را برای فرزندانمان رقم زند.



در نمایشگاه کتاب شور عجیبی به پا بود



* طبق نقشه اول میریم سالن شبستان بعد کتب دانشگاهی و آخر سر هم که سالن کودک و نوجوان که تو این شلوغی راحت‌تر برسیم به درب خروج.

مهدیه: آخه یه رحمی داشته باش سمیه یعنی چیزی نخوریم اینطوری این سالن و اون سالن که تلف میشیم.

نگار: خانم شکمو خوراکی‌های اینجا گروه با جیب دانشجو جماعت جور در نیاید. (هر سال همینه).

* حرص نخوردید نهار مهمون من هستید هر چی دوست دارید بخورید حالا به وقتش به نهارم میرسیم. حالا بریم تا پیشمون نشدم.

کتاب‌های درخواستی‌مون رو با یه سرچ اینترنتی و مشخص شدن غرفه‌ها راحت پیدا کردیم. بعد از بیرون اومدن از سالن کتب دانشگاهی یه سری به کانکس‌های نهارخوری زدیم بلاخره مهدیه رو از تلف شدن نجات دادیم. کلی با نگار بهش خندیدیم خب بگو مگه مجبوری صبحانه نخوری و بعد کلی هم حرف بزنی تا به این روز در بیایی.

مهدیه: آخه خیلی گرسنه بودم این همه غرفه و سالن سر زدیم بازم شما غر میزنید. خوبه وقت نهارم یکساعتی هست که گذشته، بازم خیلی مقاوم بودم که دوام آوردم و غش نکردم.

* بعد از نهارم رفتیم سالن کودک و نوجوان کتاب‌هایی که نگار می‌خواست رو خریدیم.

سر زدن به سالن کودک و نوجوان باعث شد منم یه چندتا کتاب واسه خواهرزاده‌ام بخرم واقعا دنیای بچگی دنیای قشنگیه بخصوص بخوابی کتاب‌هاشون رو هم بخونی.

* حالا اگه اجازه میدین بریم داخل خوبه شما دو تا صبحانه نخوردین این همه انرژی داریم. کمی جلوتر رفتیم بازم برنامه‌ریزی نمایشگاه عالی بود یه برگ راهنما گرفتم و مسیر انتخابیم رو مشخص کردم که مهدیه یه تنه‌ای زد گفت اول غرفه کتب دانشگاهی، نگار گفت: غرفه کودک و نوجوان!؟

یه دفعه من و مهدیه با تعجب برگشتیم سمت نگار!؟

مهدیه: آخه دخترمون بزرگ نشده هر شب مامانش باید براش کتاب داستان بخونه تا خوابش ببره انگاری دیشب کتابی واسه خوندن نداشته برای همین راحت نخوابیده اونم از نوع کودکش.

نگار: اول اینکه بزرگ شدم بعدشم مگه چی میشه بزرگ باشی کتاب کودک بخونی جای نخوندن که ایرادی داشته باشه تازه فکرت بازتره همیشه امتحان کنید. دوم اینکه کتاب خوندن قبل از خواب خیلی هم خوبه و من هر شب میخونم خیلی هم حس عالی‌ای داره. سوم اینکه مثلا من هم خاله و هم عمه شدم باید یه خودی نشون بدم یه هدیه باارزش و خاص براشون بخرم بهتر از کتاب چیزی به ذهنم نرسید.

مهدیه: آخه دختر خوب بچه سه ماهه و شش ماهه میدونه کتاب چیه؟ برو واسم عروسکی، ماشینی از این چیزها بخر حداقل وقتی نه ماهه شدن میتونن بازی کنن.

نگار: خوبه من روانشناسی میخونم و کلی کتاب و مطلب سرچ کردم که کتاب خوندن مادر برای بچه حتی تو دوران نوزادی مفیده، صوت کلمات و جملات تو ذهنشون نقش میندازه و ذهنشون فعال میشه، بنظرم باید این فرهنگ جا بیفته بچه‌های امروزی که از کتاب خوندن فراری هستن را اینطور ترغیب کنیم تا نسل کتابخوانی منقرض نشه.

مهدیه: خانم دکتر احسنت که با تحقیق اومدی نمایشگاه. حالا بیا بریم که سمیه کفری شد.

* ۱۲ اردیبهشت رسید، خاطرات دوران تحصیل قبل از دانشگاه تو ذهنم تداعی شد که چه شور و شوقی برای تریزین کلاس و هدیه برای معلمون داشتم و برای رسیدن این روز، لحظه‌شماری می‌کردم. اما از موقعی که دانشجو شدم تمام ۱۲ روز اول اردیبهشت ماه خودم رو آماده می‌کنم برای رفتن به نمایشگاه جهت تعیین تکلیف لیست کتاب‌های درخواستیم.

امسال شور عجیبی برای رفتن به نمایشگاه داشتم اونم بخاطر اینکه قرار شده مصلا برگزار بشه. آخه دو سالی بود که نمایشگاه کتاب در شهر آفتاب برگزار می‌شد. در طول سال گذشته به امید برگشت مکان نمایشگاه به مصلی کلی لیست کتاب آماده کرده بودم. بلاخره روزش فرا رسید؛ امسال هوای تهران کمی خنک‌تر بنظر می‌رسه. با کلی ذوق از خواب بیدار شدم و با مهدیه و نگار که از قبل قرار گذاشته بودیم راهی نمایشگاه شدیم.

مهدیه که سال گذشته رفته بود نمایشگاه اونم شهر آفتاب تو طول مسیر در عین اینکه خوشحال بود، کلی هم غر می‌کرد که خوب کاری کردن که نمایشگاه رو برگردوندن مصلا و ...

نگار: ای بابا مهدیه مخ ما رو خوردی‌ها، چقدر غر میزنی دختر حالا یه نمایشگاه کتاب‌ها! بعد اینکه آوردنش مصلا دیگه غر زدن داره!؟

مهدیه: نگار از تو بعیده خوبه ما کنکور کارشناسی و ارشد رو مدیون همین نمایشگاه کتاب هر ساله هستیم. کل کتاب‌هایی را که می‌خواستیم رو تونستیم از یه مکان بخریم. این شکر نداره باورت نمیشه پارسال به چه سختی خودم رو رسوندم نمایشگاه کلی منت بردارم رو کشیدم آخر سر هم تو مسیر ماشینش تصادف کرد هنوز که هنوزه غرش رو به من میزنه.

نگار: البته منم واسه نمایشگاه دلم تنگ شده حرصم در اومده دو ساله بخاطر مسیرو دورش نتونستم برم. ایستگاه مصلا....

* متفکرین عزیز اگه کل کل‌هاتون تموم شد و دلتون نمیخواد تا شب تو مترو باشیم پس پیاده بشین جا موندیم.

مهدیه: وای اینجا چه خبره ببین خداییش امسال با اینکه دلار رفت بالا و کاغذ گرون شده چه جمعیتی اومده واسه خرید.

نگار: هر ساله شلوغه، خیلی سخته ولی مجبوریم با نوسانات دلار کنار بیاییم چون ما دانشجویها بدون مطالعه کتاب که نمیتونیم تحقیقاتمون رو به سرانجام برسونیم. میدونی چند نفر از مردم از شهرهای مختلف برای نمایشگاه میان، تهران خودش شلوغه، جمعیت شهرهای دیگه هم اضافه بشن همین میشه دیگه.

تمدن اسلامی تجلی روحیه احسان و نیکوکاری، نوع دوستی و خیرخواهی در قالب سنت حسنه وقف و انجام امور خیریه و عام‌المنفعه است.

وقف کتاب از همان آغاز صدر اسلام به عنوان یک عمل خیر و سنت نیکو و پسندیده در شماره صدقه جاریه و باقیات الصالحات به حساب می‌آمده است و پاداش و اجر فراوان اخروی و شهرت و نام نیک و جاودانگی یاد و خاطره واقف را به همراه داشته است.

وقف کتاب شاید رایج‌ترین نوع وقف در میان مسلمانان بوده است. از وقف‌نامه‌های مربوط به کتاب، آگاهی‌های تاریخی بسیاری به دست می‌آید و نشر آنها زوایای تاریخی بسیاری را روشن خواهد کرد. علاوه بر این که، این کار در تاریخ اسلام، سهم عمده‌ای در پیدایش کتابخانه‌های گوناگون داشت، بیشتر کتاب‌های خطی اسلامی موجود در کتابخانه‌های جهان، نتیجه همین عمل خدایسندانه بوده است.

در این نوشتار به تاریخچه وقف کتاب در جهان اسلام، آراء فقهای اسلام در مورد وقف مصاحف و کتب، انگیزه‌های وقف کتاب، انواع وقف کتاب به همراه نمونه‌هایی از وقف کتاب به کتابخانه‌ها،

همچنین به نقش وقف در حفظ کتاب‌های خطی و تأثیر وقف بر اهدا کتاب می‌پردازیم.

در آخر می‌خواهیم یکی از مهمترین منابع جهت مطالعه و بررسی این موضوع که چگونه می‌توان منابع و متون تاریخی را به عنوان وقف مورد استفاده قرار داد را معرفی کنیم. مجله وقف میراث جاویدان.

این مجله به موضوعاتی از قبیل متون، تاریخی، هنر، معماری، شهرسازی و ... از جنبه‌ی موضوع وقف مورد استفاده قرار می‌دهد.

منابع: مجله وقف میراث جاویدان

وقف میراث علمی



پنبه شود. و این خطایی است که خطری جبران‌ناپذیر در پی دارد. به طور کلی هر تمدنی بر پایه‌هایی استوار است که معمولاً به همان پایه متکی می‌شود. اما همه تمدن‌ها در یک مورد اشتراک دارند.

این مورد نقش اطلاع و آگاهی در پیدایش و گسترش تمدن‌هاست. آگاهی و اطلاع‌رسانی ریشه و بن مایه هر تمدنی است. یکی از دلایل شکوفایی فرهنگ و

و قم بنا شد که مایه‌ی مباحثات است. لیکن باعث تأسف است که اینان به جای اینکه برای ادامه‌ی فعالیت‌های خود، اعتبارات مالی و بودجه خود را از طریق موقوفات و وجوهات تأمین کنند، اتکا و وابستگی خود را از دولت کم نکردند.

طبیعی است وقتی شرایطی پیش آید که این کمک‌ها قطع شود، بسا سرمایه‌های علمی و هزینه‌های بسیاری که رشته شده،



تفکر

محسن سعادت‌ی

کارشناس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران

وقف میراث مکتوب، یکی از فاکتورهای مهم برای نیکوکاری و غیرخواهی است که بشر با استفاده از آموزه‌های انبیا، آن را از دیرباز به وجود آورده است. وقف یکی از نیکی‌های سترگ و همیشه سود رسان است که از نظر اخلاقی، بارزترین تجلی روحیه‌ی تعاون اجتماعی و پیشی‌گرفتن در نیکی‌ها شمرده می‌شود. وقف، عملی نیک، مصداق روشنی از تعاون، انفاقی بدون منت و احسانی به دور از تحقیر دیگران است. پرونده‌ی اعمال بشر، معمولاً با مرگ آنان پایان می‌پذیرد، ولی پرونده‌ی واقفان مؤمن، همیشه باز است و از ثواب وقف برخوردار می‌شوند. دوام و بقای چیزی که افتخار وقف یافته و جاری شدن فواید آن در اجتماع، موجب می‌شود نام واقف نیز جاودان بماند.

امروزه و همیشه شرایط اقتصادی، در حیات و مرگ مراکز فرهنگی مؤثر بوده است. شکی نیست که برای شروع کارهای بزرگ علمی و فرهنگی، اتکا به مساعدت‌های دولتی امری اجتناب‌ناپذیر است. اما برای ادامه راه، باید از نهادهای مردمی مثل سازمان اوقاف و یا حمایت‌های ملی و مشارکتی بهره جست. در واقع، دولت، خوب است که به قول اهل منطق: علت موجد باشد و نهادهای مردمی علت مبقیه که در تداوم امور خیر مشارکت داشته باشند. انصافاً پس از پشت سر گذاشتن عقبه ویرانگر و سرنوشت‌ساز جنگ تحمیلی، شاهد موج گسترده‌ی تأسیس مراکز علمی، دانشگاهی، فرهنگی و پژوهشی بوده‌ایم. مجتمع‌های عظیمی به خصوص در تهران

می‌کنیم به جای یادآوری لحظه‌های تیره و تلخ گذشته و به جای حسرت خوردن برای ثانیه‌هایی که بین غفلت‌هایمان از بین رفته‌اند به ذهن‌مان فرصت بیشتری بدهیم تا شادی‌ها و خوبی‌های گذشته را برای‌مان بازیابی کند.

چقدر خوب می‌شود تا به جای منجمد شدن و درجا زدن در روزهای سپری شده زندگی اجازه دهیم تا عشق زیستن هر روز و ثانیه وجودمان را در مسیر تازه‌ای به جریان بیندازد و عادت‌ها و روزمرگی‌ها را از بین ببرد.

زندگی چقدر خوب و خوشایند می‌شود اگر یاد بگیریم که به خاطر وجود آدم‌های با ارزش زندگی‌مان از خداوند تشکر کنیم و به آنها بگوییم که چقدر دوست‌شان داریم.

و در نهایت چقدر خوب می‌شود که هر روز به خودمان یاد آوری کنیم که زندگی هر فردی هدیه‌ای است که همواره در طول عمر نثار خود، خالق و اطرافیان‌ش می‌کند.

پس بیایید از خود هدیه‌های باارزشی بسازیم.

خوب زیستن



که با شور و ذوق خاصی ادا می‌شدند. دورانی که فعل «خوب زیستن» هر لحظه و ثانیه صرف می‌شد و به منصفی ظهور می‌رسید.

و بعد از ساعت‌ها قدم‌زدن در دوران کودکی خویش زمانی به خود آمدم که مملو از لذت بودم و به این فکر می‌کردم که شرایط و اقتضات هر دوره از زندگی به عنوان عاملی تعیین‌کننده در انتخاب رفتارهایی است که انسان‌ها بروز می‌دهند که قطعاً تحت تأثیر گذشته و آینده‌ای است که افراد برای خود متصور می‌شوند. پس چقدر خوب است که گاهی که با خود خلوت

دشت‌ها جولانگاه من و آغوش طبیعت ماوای امنی برای گذران اوقات بود و طراوت سبزه‌ها و گل‌های وحشی دشت‌ها حجم عظیمی از نشاط و سرزندگی را در وجودم سرریز می‌کرد و من را سرمست‌تر از پیش به دویدن تا نهایت لذت سوق می‌داد، لذتی که بدون علت‌یابی و دلیل تراشی برای چندی شاد زیستن به وجود می‌آمد.

روزهایی که مفاهیمی چون گذشته و حسرت، آینده و برنامه‌ریزی و ... برایم معنایی نداشت و زندگی دقیقاً همان بازی‌های کودکانه و شعرها و آواهایی بود

تلنگر

طیبه ثابتی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس

امروز طبق روال همیشگی در فکر کارهایی که باید انجام بدهم بودم و آنها را یکی یکی الویت‌بندی می‌کردم و برای به موقع و درست انجام دادنشان برنامه می‌چیدم و ذهن آشفته‌ام پر بود از افکار و اندیشه‌های متعدد و هزار امید و آرزو برای آینده مبهم و پیچیده‌ام. که به یک باره بین تمامی امیدها و ناامیدی‌ها، بین همه‌ی آرزوها و آرمان‌ها و مابین تمام خوشی‌ها و ناخوشی‌ها رشته افکارم پاره شد و از روی سال‌ها فاصله سر خورد و روی خاطرات زیبای بچگی‌هایم افتاد.

دورانی که شادی جزء جدانشدنی لحظه‌هایم بود و دنیای کوچکم مزین بود به مهربانی و زیبایی و سادگی، دورانی که

پناهگاهی برای امنیت



آن از طریق تبلیغات حاصل می‌شود. اگرچه جنبه‌های مثبت بسیاری مانند صرفه‌جویی در زمان، ارتقا بهره‌وری، بهبود کیفیت زندگی می‌شود اما نباید از جنبه‌های منفی آن مانند از بین رفتن حریم شخصی، حملات سایبری، جاسوسی غافل بود.

دل‌نگرانی‌ها در مورد حریم خصوصی، در هنگام جمع‌آوری و نگهداری به صورت دیجیتال یا غیردیجیتال داده‌ها و اطلاعاتی که فردی را به صورت خاص باز شناساند، نشان می‌دهد. مشکلات حریم خصوصی اطلاعاتی که مربوط به منابع مختلف و متنوع داده‌ها و اطلاعات است، افشای نامناسب و بدون کنترل داده‌های شخصی است. از این رو چالش اصلی حفظ و نگهداری هویت فرد در مرزهای خصوصی می‌باشد تا به حریم امنی که دارد ضربه‌ای وارد نشود. هرچند فناوری اطلاعات تأثیرات بسیار خوبی را دارد اما نباید از جنبه‌های منفی آن مانند از بین رفتن حریم خصوصی غافل بود.

می‌شود در حالی که شخص دیگر از دور دست می‌دهد و زیاد نزدیک نمی‌شود.

گاه افرادی حریم خصوصی خود را به صورت داوطلبانه برای استفاده‌های تبلیغاتی، شرکت در مسابقات یا به دست آوردن منافع قرار می‌دهند. افشای اطلاعات خصوصی گاه منجر به استفاده منفی از آن توسط دیگران و دزدی هویت می‌شود.

در آینده فناوری‌های قبل کشت در بدن مانند: ضربان‌سازهای قلب یا قرص هوشمند، خانه هوشمند، حضور در دنیای دیجیتال مانند پلت فرم‌ها و رسانه‌های آنلاین، میدان جدید به عنوان رابط کاربری جدید، اینترنت پوشیدنی لباس‌ها و سایر ادواتی که توسط انسان پوشیده می‌شوند چیپ‌هایی را درون خود خواهند داشت که او را به اینترنت متصل خواهد کرد مانند پیراهن ورزشی که قادر است ضربان قلب، شدت تنفس و ... را اندازه‌گیری کند. ذخیره‌سازی برای همه به صورت رایگان ارائه خواهد شد و درآمد

در آینده فناوری‌های قبل کشت در بدن مانند: ضربان‌سازهای قلب یا قرص هوشمند، خانه هوشمند، حضور در دنیای دیجیتال مانند پلت فرم‌ها و رسانه‌های آنلاین، میدان جدید به عنوان رابط کاربری جدید، اینترنت پوشیدنی لباس‌ها و سایر ادواتی که توسط انسان پوشیده می‌شوند چیپ‌هایی را درون خود خواهند داشت که او را به اینترنت متصل خواهد کرد مانند پیراهن ورزشی که قادر است ضربان قلب، شدت تنفس و ... را اندازه‌گیری کند.

هر کس با توجه به فرهنگ و موقعیت مکانی خود، حریم‌های خاصی را برای خود در نظر می‌گیرد. برای مثال کسانی که در آپارتمان‌های فشرده زندگی می‌کنند و فقط با یک دیوار با همسایه خود فاصله دارند نسبت به افرادی که در منازل بزرگ و با فاصله بیشتر باهم زندگی می‌کنند فاصله کمتری را با افراد دیگر می‌گیرند و برای دست دادن نزدیک



تلنگر

محمود شریف پور

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی
دانشگاه تربیت مدرس

دنیای امروز هر لحظه در حال تغییر و رشد است و به راحتی می‌توان با دنیایی از اطلاعات روبه‌رو شد. در همین اثنا باید جایی و زمانی باشد برای اینکه با خود حقیقی‌مان خلوت کنیم، بدون اینکه اشخاص دیگر به مرزهایی که خود تعیین کرده‌ایم وارد شوند تا کرامت انسانی حفظ شود. رعایت حریم خصوصی دیگران که در آیات قرآن و احادیثی از ائمه معصومین به ما رسیده، ضرورتی اخلاقی است که باید رعایت شود ولیکن جهان مجازی شکننده‌ی حریم خصوصی بر دنیای واقعی شده است.

حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیمی است که هرکسی آن را به طور نسبی پذیرفته و تابعی از فرهنگ، اخلاق و ... است. در دوره‌های گوناگون زندگی و در نسل‌های مختلف قرائت‌های گوناگونی از آن می‌شود و ممکن است یک شخص در طول زندگی خود با تغییراتی در مفهوم حریم خصوصی خود مواجه شود. گونه‌های حریم خصوصی در منازل و اماکن، جسمانی، اطلاعات، ارتباطاتی، مادی و معنوی می‌باشد. مرزهای خصوصی که در گرو آن انسان به رشد و کمال رسیده و بشر به دنبال آن به سراغ اهداف، آرمان و آرزوهای شخصی خود می‌رود و می‌تواند احساسات و عواطف خود را داشته باشد و از ابزار شدن انسان جلوگیری می‌شود و خاصیت شرافت فردی، حیثیت، آزادی و استقلال فردی را نگه دارد.

ما در زندگی روزانه خود به صورت متناوب با این حریم‌ها روبه‌رو هستیم:

۱- حریم عمومی: هر زمان که ما با افراد زیادی برخورد داریم راحت‌ترین فاصله‌ای که ما انتخاب می‌کنیم.

۲- حریم اجتماعی: قرارگیری ما با افراد جدید در محله‌ای مشخص و افرادی که به خوبی برای ما شناخته‌نشده‌اند است.

۳- حریم شخصی: فاصله‌ای که ما در مهمانی‌ها و جمع‌های دوستانه از دیگران می‌ایستیم.

۴- حریم نیمه خصوصی: حریم نیمه خصوصی که شاید مهم‌ترین حریم هم بتوان از آن یادکرد فقط برای افرادی است که به لحاظ احساسی با آن فرد صمیمی هستند مانند همسر، والدین، فرزندان و دوستان صمیمی را شامل می‌شود و شخص در پی حفظ آن مانند دارایی خود است.



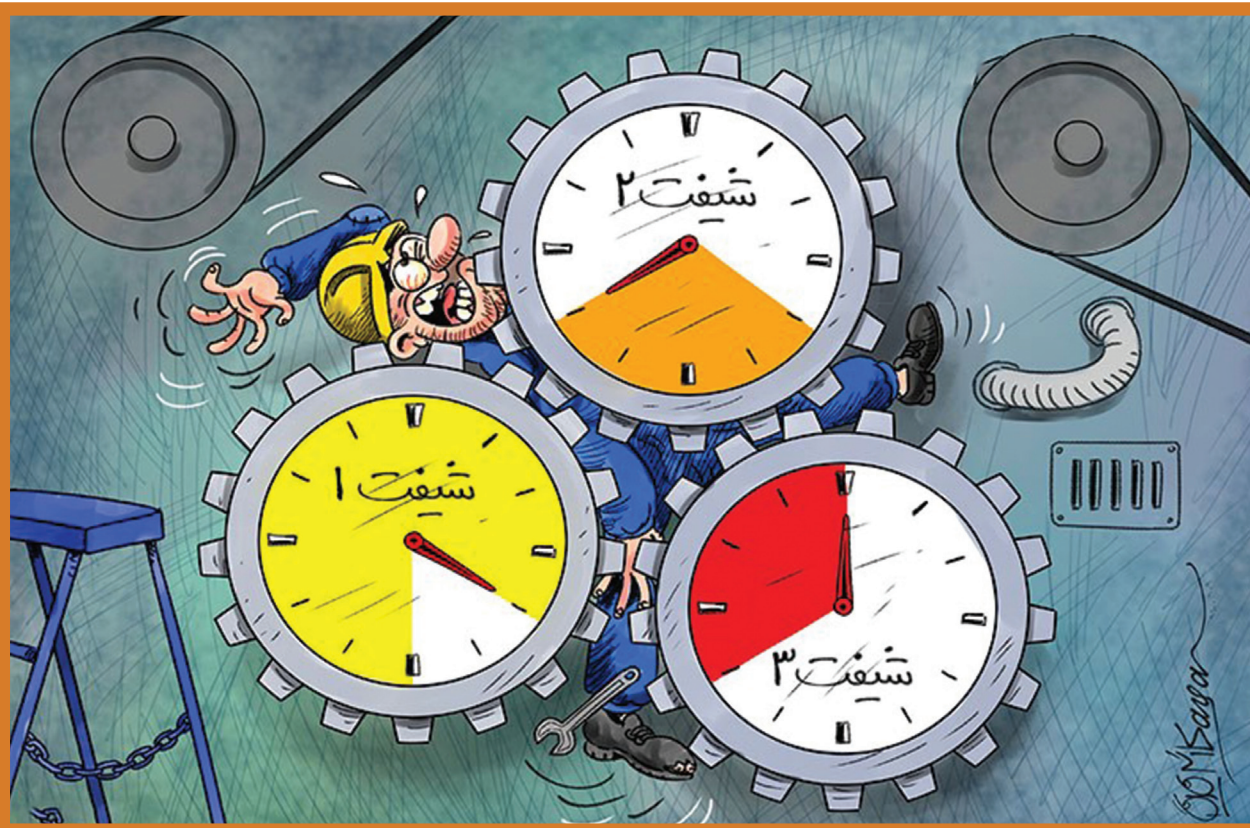
طبقات کارگر در ایران یا مستضعفان؟



روزنگار

هادی طلوعی

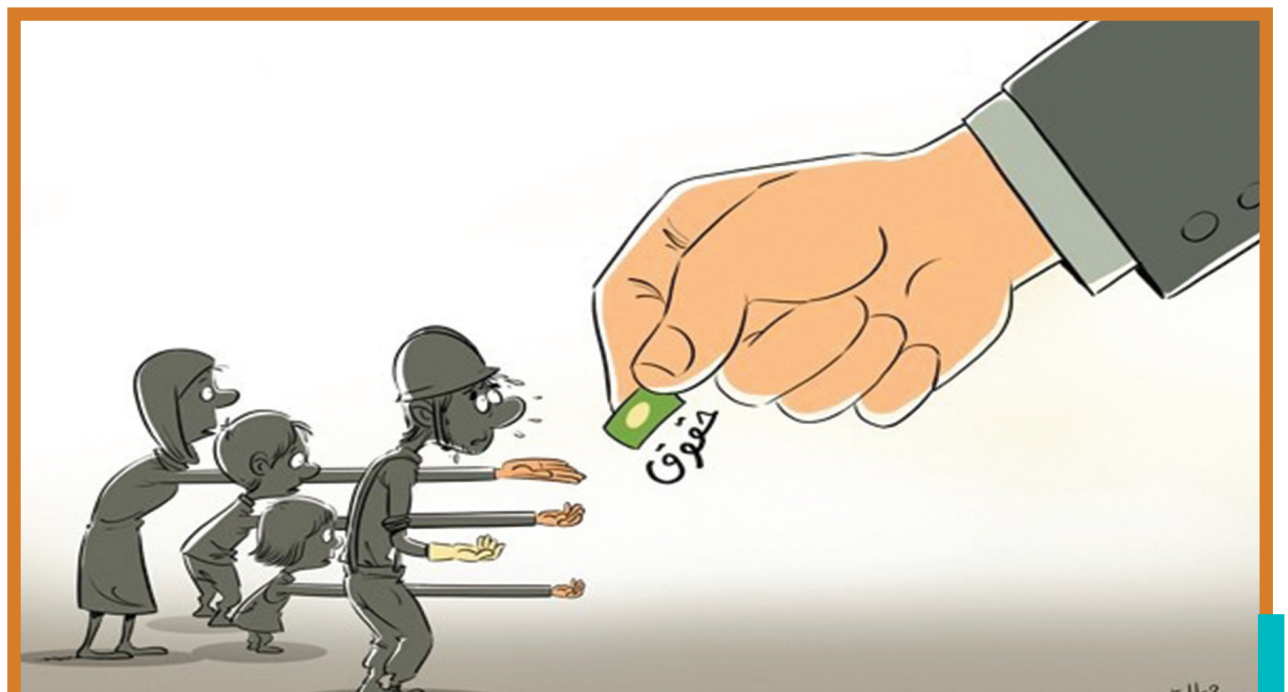
دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس



اول ماه مه (May) در تقویم سال‌های میلادی به مناسبت روز جهانی کارگر نام‌گذاری شده است و برحسب بزرگداشت مقام کارگران و نقش آنان در پیشرفت اقتصادی کشورهای جهان آیین‌هایی برگزار می‌شود. این نام‌گذاری مختص جامعه غرب و به دلیل سابقه مبارزات کارگران برای احقاق حقوق اجتماعی و اقتصادی خویش بوده است؛ اما در کشور ما مفهوم کارگر علاوه بر ابعاد اقتصادی، صبغه فرهنگی و مذهبی نیز دارد. به دلیل آنکه در تاریخ انقلاب اسلامی، به صحنه آمدن طبقه کارگر در طی مبارزات سال ۱۳۵۶ موجبات شکست نهایی حکومت پهلوی را فراهم آورد و اعضای این طبقه به‌عنوان خط‌شکن، بازاریون، روحانیت و تحصیل‌کردگان را در پیروزی انقلاب یاری دادند. چنانکه کارگران صنعت نفت با اعتصاب خویش دولت وقت را به آستانه ورشکستگی کشانده و کارگران بخش حمل‌ونقل و کارخانه‌ها، چرخ‌های اقتصاد رژیم پهلوی را از کار انداختند. از سوی دیگر بیشتر جوانانی که بی‌مه‌با با نظامیان پهلوی مبارزه می‌کردند، بیشتر شهدایی که در جریان کشتارهای گسترده (مانند ۱۷ شهریور) جان خویش را از دست می‌دادند و توده‌هایی که استوار و سخت راهپیمایی می‌کردند، اهل محلات فقیرنشین شهرها بودند. به دلیل نقش این طبقه در گسترش و توده‌ای شدن انقلاب ایران عنوان مستضعفان به این گروه از جامعه اطلاق شد و یکی از شعارها و اهداف نظام جدید، توزیع مجدد ثروت و ارتقا سطح زندگی این اقشار در راستای برقراری عدالت اجتماعی قرار گرفت. آیه قرآنی

هم که بر حکومت مستضعفان بر جهان و جانشینی آنان دلالت می‌کرد، به‌عنوان پشتوانه دینی این برداشت از انقلاب تبیین شد. باید گفت انقلاب اسلامی در سال‌های اولیه حیات تا حدودی به این شعارها پایبند ماند و جهت‌گیری دولت در بخش اقتصادی متوجه اقشار کارگر و حمایت آنان در زمینه‌های اجتماعی و رفاهی بود. از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ دولت به برنامه‌ریزی گسترده برای حمایت از این طبقات در قالب نظام تأمین اجتماعی، اعطای یارانه‌های مختلف و افزایش رفاه محرومان روی آورد. به همین دلیل آن سال‌ها دوران طلایی مستضعفان در تاریخ جمهوری اسلامی به حساب می‌آمد و دولت در عرصه‌های مختلف معیشتی و اشتغال خود را موظف به حمایت از آنان می‌دانست. البته جهت‌گیری عدالت‌خواهانه دولت‌ها در آن زمان موجب برابری بیشتر طبقات و کاهش شکاف‌های اقتصادی در

جامعه می‌شد. این روند تا پایان دهه ۶۰ خورشیدی ادامه داشت و سپس دولت به برنامه تعدیل ساختاری در قالب کاستن از تعهدات اجتماعی خویش در برابر اقشار محروم روی آورد. تعدیل ساختاری از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تجویز شده بود و در راستای گسترش مناسبات سرمایه‌داری در نظام اقتصادی جهان پیگیری می‌شد. بخشی از اهداف برنامه تعدیل ساختاری مانند خصوصی‌سازی و گسترش حضور مردم در اقتصاد تأثیرات مثبتی داشتند، اما از تبعات منفی کاهش خدمات دولت در قبال اقشار آسیب‌پذیر غفلت شد. این وضع موجب نارضایتی عمومی در میان طبقات محروم و بروز ناآرامی‌هایی در آن زمان شد. در دوران اصلاحات از شدت اجرای این برنامه‌ها تا حدی کاسته شد، اما همچنان اصول کلی سیاست‌های قبلی در دستور کار بود. در دوره جدید که از سال‌های میانی



نه اینکه فکر کنی مرهم احتیاج نداشت



تلنگر

لیا استاد آسیابی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی
دانشگاه تربیت مدرس

بیشتر وقت‌ها لباس کهنه اما تمیزی که کدبانو جان برایش به خوبی وصله‌پینه کرده بود تن می‌کرد، تمام بدنش درد داشت این را وقتی از زمین بلند می‌شد می‌فهمیدم، دست‌هایش پینه‌بسته بود گویی در لابه‌لای تمام این پینه‌ها پیچ‌وخم نقشه‌های دنیا ریخته شده بود. یک دنیا تجربه، فروتنی، شکستن غرورش، خستگی از بله گفتن به بازی‌گردانی و نامردی‌های روزگار، تلاش برای حفظ خانواده، همه را با دیدن دست‌های زبرش می‌فهمیدی. با این همه معمولاً لبخند گرمی بر لب داشت، دانشگاه‌رفته نبود. از آن کتاب‌خوان‌های روزگار هم نبود اما بوستان و گلستان سعدی را بلد بود- آن وقت‌ها کتاب‌هایی این‌چنین و شاهنامه و حافظ در خانه اکثر مردم فارغ از سطح سواد و طبقه اجتماعی‌شان پیدا می‌شد- همه او را به‌عنوان مردی محترم و زحمت‌کش می‌شناختند، انصافاً مرد دست‌ودل‌بازی هم بود سفره‌اش هرچه که بود کم داشت یا زیاد آن را بی‌هیچ چشم‌داشتی با دیگری شریک می‌شد، چه برکتی داشت نان سفره‌اش... روزگار دوری نبود آن‌همه صفای خانه‌اش را یادم هست. با پسر بزرگش دوست بودم. یکی دو سال از من بزرگ‌تر بود و همیشه در مدرسه هوایم را داشت. همین شد که رفیق گرمابه و گلستان هم شدیم، رفت‌وآمدمان در حدی بود که پدرش را عمو صدا می‌زدیم، عمو معمولاً دست‌پر خانه می‌آمد و برای من هم سهمی می‌گذاشت، هیچ‌وقت نشد با من جوری رفتار کند که معذب شوم، همیشه با من مثل پسرهای خودش برخورد می‌کرد، من هم دوستش داشتم. تقریباً سال‌های آخر کاریش بود می‌دیدم که کدبانو خانم صرفه‌جوتر شده بود اوضاع خیلی بد نشده بود اما وضع اقتصادی مردم، مثل چند سال قبل‌ترش نبود، یکسال که گذشت صاحب‌خانه با عمو سر قیمت کنار آمد و همان خانه را خریدند. خانه‌ی قدیمی‌ای بود اما از هیچ که بهتر بود. عمو جز احمد یک پسر کوچک‌تر و یک دختر دبیرستانی بزرگ‌تر هم داشت، دخترش خیلی خواستگار داشت آخر یکی را پسندید. عمو برای تهیه جهیزیه مجبور شد خانه را بفروشد و از محله ما برود، نتوانست وامی بگیرد که کفاف جهیزیه دخترش را دهد. چه کند پیرمرد عمری زحمت کشیده بود و خانه‌ای خریده بود اما همین یک دختر را هم که بیشتر

نداشت سنگ تمام گذاشت، در حد خودش خیلی هم عالی بود. وسایل خوبی برایش خرید و دختر دردانه‌اش را راهی خانه بخت کرد. بعد از اینکه از محله رفتند، رفت‌وآمد به خانه‌شان کمتر شده بود. بعدش هم که من مشغول درس و دانشگاه شدم ده سالی می‌گذشت، تا اینکه دوباره دوستم احمد را از طریق یک شبکه‌ی اجتماعی پیدا کردم و قرار شد یک روز به خانه‌شان بروم. به هر سختی بود آدرسشان را پیدا کردم، خانه‌شان یک خانه اجاره‌ای آن سر شهر بود، هنوز نتوانسته بودند خانه‌ای بخرند. اما در همان خانه هم وجودشان صفا و مهربانی آورده بود. احمد کمی شکسته شده بود، کدبانو جان هم برای وضعیت احمد و عمو غصه می‌خورد، عمو پیر شده بود و سال آخر سرکار، کمرش آسیب دیده بود،

پشتوانه‌ی مالی نداشتند و با اینکه همان مهر و موم‌ها احمد دانشگاه قبول شده بود، درس را رها کرده بود. دخل و خرج زندگی کارگری به هم نمی‌خورد، حقوقشان را به وقت نوشداروی سهراب می‌داند، اما مثل پدر رفته بود کارگری تا کمک‌خرجی برای خانواده باشد. از دواج نکرده بود امیدی انگار برایش نمانده بود، می‌گفت توقع آدم‌ها در این دوره زمانه عوض شده، من هم توان مالی تأمین این توقع‌ها را ندارم. یه آه کشید و شعر زیر را زیر لب زمزمه کرد:

نه اینکه فکر کنی مرهم احتیاج نداشت
که زخم‌های دل خون من علاج نداشت
تو سبز ماندی و من برگ برگ خشکیدم

که آنچه داشت شقایق به سینه کاج نداشت
منم! خلیفه‌ی تنهای رانده از فردوس
خلیفه‌ای که از آغاز، تخت و تاج نداشت
تفاوت من و اصحاب کهف در این بود
که سکه‌های من از ابتدا رواج نداشت
نخواست شیخ بیابد مرا که یافتنم
چراغ نه! که به گشتن هم احتیاج نداشت



لاتاری، امیرعلی، داروغه‌زاده، من، فیلشاه و دیگران ...

دوش خانواده است. گریز هوشمندانه‌ی داستان به همسایه‌های عقب‌افتاده‌ی عربی‌مان هم که بدون داشتن واسطه‌های بی‌شرف داخلی چیزی بیشتر از همان شیوخ دست‌وپا چلفتی زن‌باره نمی‌توانند باشند، دست‌میریزاد دارد.

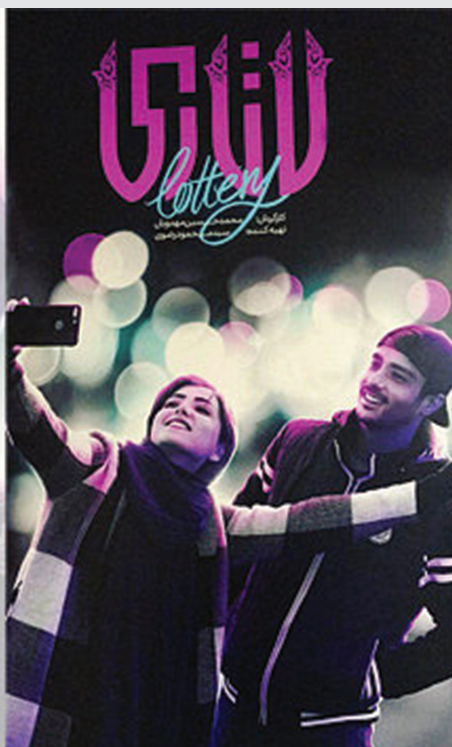
شخصیت‌پردازی‌های آثار آقای مهدویان همیشه چنان قدرتمند و گیراست که مخاطب چاره‌ای جز موافقت با تصمیم‌ها و همراهی با کنش‌ها و واکنش‌هایشان ندارد. تفاوتی نمی‌کند اگر مثل تصمیم‌های موسی جبری، یا مثل کارهای امیرعلی از روی کله‌شقی باشد.

شبه‌دیلماتی هم اگر در این فیلم وجود دارد (مرتضی) به وقتش انقلابی می‌شود و بدون مماشات و بی‌پرده کار خود را می‌کند صریح و واضح.

فارغ از حرف‌وحدیث‌های خاله‌زنکی (بیخشید، واژه‌ای به‌جای از این دم دست نبود!) که امروز جامعه‌ی سینمایی کشور را پر کرده، "لاتاری" فیلم خوبی است.

اگر از آن دسته آدم‌هایی هستید که به همه‌چیز و همه‌کس از منظر تعاملات و تفکرات سیاسی‌تان می‌نگرید و خود را روشنفکری می‌دانید که تماشای این دست فیلم‌ها برایتان کسر شأن است (!؟)، یواشکی به تماشای لاتاری بروید.

در این پمپاژ بی‌غیرتی که اکثر فیلم‌ها آلوده است، تماشای مردان لاتاری بر پرده‌ی نقره‌ای حالتان را خوب می‌کند و برای تمدد اعصاب در یک عصر دل‌انگیز بهاری به‌شدت توصیه می‌شود.



هرزه‌ای دنبال آن بگردد حتماً کور خواهد شد!

لاتاری گل‌درشت و آرمان‌گرایانه نیست. فقر و نداری هم دارد، آدم بی‌شرافت هم دارد، بدهکار و زندانی هم دارد، نسلی که سودای مهاجرت برای معیشت بهتر دارند را هم نشان می‌دهد. با این همه اما سیاه‌نمایی ندارد، کاراکترها در نکبت و سیه‌روزی دست‌وپا نمی‌زنند. مغز آدم‌های فیلم نه کوچک است و نه زنگ‌زده (!)، هنوز یادشان مانده که از چه فرهنگی و چه گذشته‌ای برخاسته‌اند.

نمود خانواده‌ی ایرانی در جوانان فیلم به چشم می‌خورد که پسرانش غیور و باحیا هستند و دخترانش اگر هم راهی را که نباید می‌روند به خاطر برداشتن باری از

هنرمند باید بتواند به تصویر کشاننده‌ی دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و یا خوشی‌ها و افتخارهای ۸۰ میلیون مردمی باشد که جز چند هزار نفرشان، باقی رسانه‌ای و تریبون‌ی برای فریادهایشان ندارند.

درستش این است که من - فارغ از طبقه‌ی معیشتی و شهرستان محل زندگی - بتوانم با یک فیلم ارتباط برقرار کنم. خودم را جای شخصیت‌ها بگذارم، با نگرانی‌هایشان نگران، با اندوه‌هایشان اندوهگین شوم و با شادی‌هایشان بخندم.

اکثر فیلم‌هایی که روی پرده می‌آیند و می‌روند اما چنین ویژگی‌ای ندارند، یا از اساس هنر همراه کردن مخاطب را ندارند و یا اثر هنری هستند به‌غایت بی‌مایه!

لاتاری اما این هر دو ویژگی را توأمان دارد؛ دستمایه‌ی فیلم غیرت و مردانگی مرد ایرانی است که با هنرمندانه‌ترین شکل به تصویر کشیده شده است. می‌گریاند، می‌خنداند و حرف خود را می‌زند. همپای شخصیت‌های فیلم غیرت به جوش می‌آید، برای مرتضی دست می‌زنی، برای موسی سوت و هورا می‌کشی.

در این هیاهوی مردان و زنان خیانت‌کار و حرمت‌شکن سینمای کشورمان، مردان فیلم لاتاری تودهنی محکمی هستند به دغدغه‌های سخیف و ناملموس لواسانی و لویزانی و زعفرانی‌های! دغدغه‌هایی که حتی اگر به خانی‌آباد و شوش و راه‌آهن هم کشیده شوند باز بوی زعفران می‌دهند ...

به‌جای به لجن کشیدن خانواده‌ی ایرانی با حضور شبه‌فانتزی معتادان و خیانت‌کاران، تصویر آشناتری از یک خانواده‌ی ایرانی نشان داده می‌شود که در آن زن ایرانی ناموس تمام مردان ایرانی است و اگر چشم

شاید اگر سکوت پرهیاهوی جشنواره نبود، لذت تماشای "لاتاری" در شلوغی‌های عوض شدن سال و نو شدن روزگار گم می‌شد. اما بگذارید با یک تشکر بالابند از مسئولین جشنواره‌ی فجر مطلب را آغاز کنم؛ جناب آقای ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر محترم جشنواره، و هیئت محترم داوران، بسیار سپاسگزارم بابت "هیچ"!

و همین هیچ بود که باعث شد تماشای "لاتاری" در لیست فیلم‌های نوروزی‌ام قرار بگیرد، در کنار "به وقت شام" و "فیلشاه". که البته این آخری عیدی من بود به بچه‌های فامیل! و چه صفایی دارد با یکی و دوجین بچه سینما رفتن و بعد هم بستنی قیفی خوردن بگذریم.

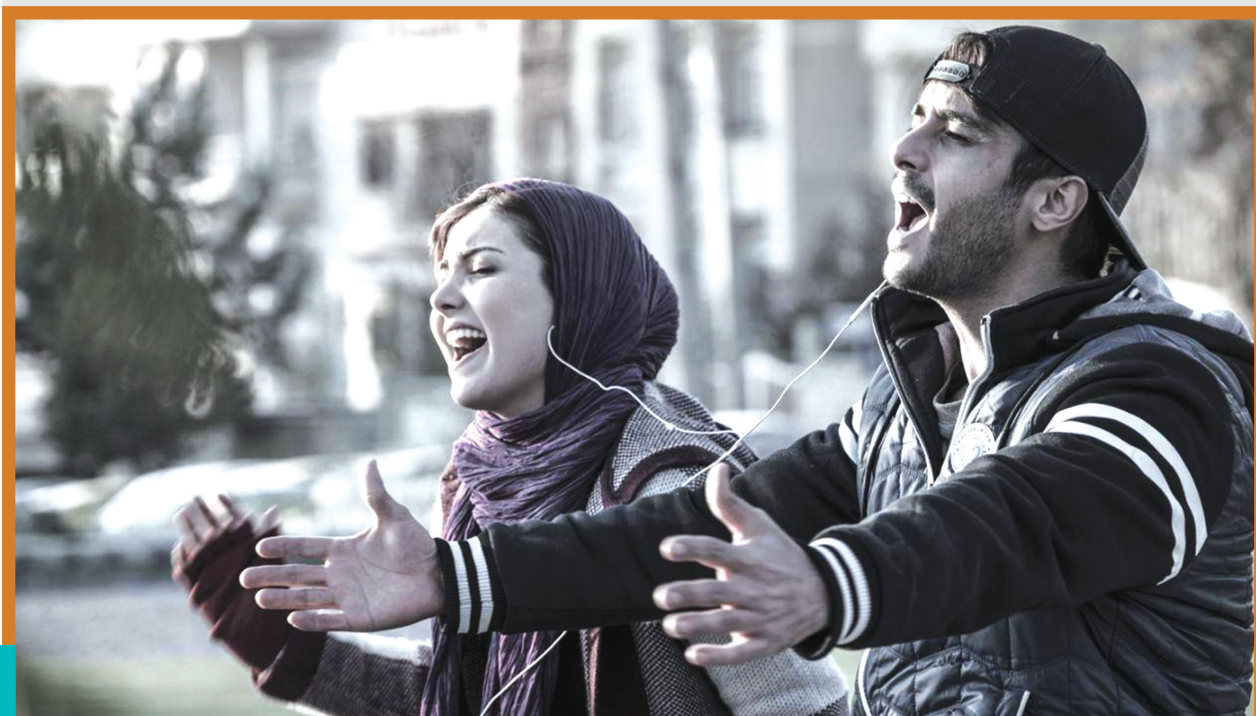
قرار این بود که در بررسی چرایی برخورد (به معنای دقیق‌تر: عدم هرگونه برخورد!) جشنواره فجر با این فیلم (لاتاری) مطلبی بنویسم. به همین دلیل به تماشای آن نشستم اما وقتی از سالن سینما بیرون آمدم چنان حال خوشی داشتم که بالکل منصرف شدم از وقت صرف‌کردن راجع به آنالیز رفتار سیاستمداران هنرمند(نما!) و به این نتیجه‌ی کاملاً درست و حسابی رسیدم که خودِ خودِ خودِ "لاتاری" رو عشق است!

و مگر جشنواره چی‌ها و اعوان و انصارشان اول‌بار بود که بی‌عدالت بودند؟ و مگر اول‌بار بود که در رسانه‌ی ملی نشستند، توی چشم ملت زل زدن، ژست هنری گرفتند و حرف‌های بی‌هنری زدند؟ و مگر یک فیلم و یک هنرمند چه می‌خواهد جز دیده شدن و جز مخاطب داشتن؟

اگر آقای مهدویان حرفی دارد که فکر کرده است باید گفته شود و پشت تریبون فیلمش ایستاده تا بگوید چه چیزی با ارزش‌تر است از ۶۰۰ هزار مستمع (با احتساب فروش ۷ میلیاردی)؟

من مخاطب داشتن و شنیده شدن برای اثرم و هنرم را ترجیح می‌دهم به داشتن پرندگان شیشه‌ای! - حتی اگر سیمرغ باشد، و حتی اگر نام فجر انقلاب اسلامی را یدک (و تنها یدک) بکشد. - که جشنواره‌ی فجر هیچ سالی به‌اندازه‌ی این سال‌ها که می‌گذرد و هیچ دوره‌ای به‌اندازه‌ی این چند دوره‌ی اخیر بیگانه با رسالت انقلابی و ایضا اسلامی خود نبوده است!

اگر هنر رسانه است و سینما هنر، و اگر بناست هنر سینما رسانایی باشد: پس



در MRI چه خبر؟

از بافت‌های مختلفی مانند مغز تصاویر واضحی بدست آورند.

فردی که قرار است با این روش مورد تصویربرداری قرار گیرد نباید هیچ شی فلزی مانند ساعت، انگشتر، مفصل مصنوعی و ... داشته باشد و یا شی فلزی در نزدیکی دستگاه MRI قرار گیرد، زیرا میدان مغناطیسی روی این مواد فرومغناطیسی اثر گذاشته و نه تنها باعث تداخل در امر تصویربرداری می‌شود، بلکه می‌تواند به خود فرد نیز آسیب برساند به همین دلیل است که دستگاه MRI را در اتاق‌های ویژه‌ای قرار می‌دهند. این اتاق‌ها نسبت به امواج الکترومغناطیسی نفوذناپذیرند. در نتیجه امکان ورود یا خروج برای این امواج وجود ندارد. به علاوه لباس مخصوصی را تن بیمار می‌کنند که هیچ قسمت فلزی نداشته باشد. در حین عمل تصویربرداری فرد باید آرام باشد. به این منظور می‌توان یک آرام‌بخش ملایم به وی داد. سپس او را روی تخت خوابانده و از وی می‌خواهند که به طور عادی نفس بکشد. بعد از اینکه فرد در دستگاه قرار گرفت، محل مورد تصویربرداری را با نور مشخص می‌کنند و اسکن کردن شروع می‌شود. در فواصل زمانی که اسکن کردن قطع می‌شود وی می‌تواند قدری حرکت کند، ولی نه آنقدر که از محل موردنظر جابجا شود. شخص در طول اسکن می‌تواند از طریق دکمه‌ای که در اختیار او قرار داده‌اند به مسئولین اطلاع دهد، و اسکن کردن متوقف شود.

در سیستم‌های MRI، جهت اعمال میدان مغناطیسی خارجی، یکی از انواع مغناطیس‌های دائمی، مقاومتی یا ابر رسانا به کار می‌رود. تاکنون مطالعات زیادی بر روی تاثیرات احتمالی میدان‌های ناشی از این مغناطیس‌ها صورت گرفته است که در هیچ یک از آنها آثار زیان بار بیولوژیک

درازمدتی در اثر قرارگرفتن در معرض MRI گزارش نشده است. البته در برخی مطالعات، آثار کم اهمیت و برگشت‌پذیر ناشی از میدان‌های مغناطیسی مشاهده شده است. ایمپلنت‌های فلزی، اثر جدی که شامل گشتاور، گرما و ارتیفکت در تصاویر MRI است، ایجاد می‌کنند، بنابراین بایستی هرگونه سابقه جراحی در بیماران پیش از انجام MRI مشخص شود. نکته‌ی مهم در مورد بیمارانی است که از پیس میکر قلبی استفاده می‌کنند. این بیماران مطلقاً نباید تحت تصویربرداری MRI قرار بگیرند. زیرا انجام آن ممکن است باعث شود پیس میکر در حالت غیر همزمان کار کند. حتی بیمارانی که پیس میکر خود را خارج ند، به دلیل آنکه ممکن است سیم‌های آن درون بدنشان باقی مانده باشد و با عمل کردن آنها مانند یک آنتن و القای جریان، سبب فیبریلاسیون شود، نباید از روش MRI استفاده کنند.

در نهایت توجه به این مسئله، خالی از لطف نیست که در کشور ما در مقایسه با نرم جهانی، تعداد دستگاه‌های MRI در صد مراجعه‌ی بیماران بسیار بالاتر است و هزینه‌ی بسیار کمتر از استاندارد جهانی وجود دارد. این موضوع از یک

سو بر سهولت بهره‌گیری بیماران از این آزمایش دلالت دارد و در عین حال ذهن را با سوالاتی درگیر می‌کند. چرا در حالی که در اکثر جوامع پیشرفته این آزمایش در مراحل نهایی انجام می‌شود، تجویز این آزمایش به عنوان یکی از اولین راهکارها برای پزشکان در کشور ما مطرح می‌شود؟ آیا می‌توان به یک سیستم تصویربرداری پزشکی با دید یک منبع درآمد نگریست؟

منابع

Lauterbur, P. C., Image Formation by Induced Local Interactions: Examples Employing Nuclear Magnetic Resonance, Nature, Volume ۲۴۲, Issue ۵۳۹۴, pp. ۱۹۰-۱۹۱ (۱۹۷۳)

دکتر مهرداد منصوری (متخصص ارتوپدی)، "ام آر آی چیست و چگونه انجام می‌شود؟" وب سایت "ایران ارتوپد" به آدرس اینترنتی: <http://www.iranorthoped.ir>

Watson, Robert E. (۲۰۱۵-۱۰-۰۱). "Lessons Learned from MRI Safety Events". Current Radiology Reports. ۳ (۱۰): ۳۷. doi:۱۰.۱۰۰۷/s۴۰۱۳۴-۱۵-۰۱۲۲-z. ISSN ۲۱۶۷-۴۸۲۵

بخوان

فاطمه ماکویی

دانشجوی دکترای مهندسی پزشکی
دانشگاه تربیت مدرس

آیا تاکنون اسم ام آر آی به گوشتان خورده است؟ آیا تجربه این آزمایش را داشته‌اید؟ در این مطلب اطلاعات کوتاهی پیرامون نحوه‌ی عملکرد و معایب و مزایای به شما ارائه می‌شود.

ام آر آی به انگلیسی (MRI) مخفف عبارت (Magnetic Resonance Imaging) است و تصویرسازی تشدید مغناطیسی نامیده می‌شود. با کمک گرفتن از این روش می‌توان تصاویر بسیار دقیق و واضحی از اندام‌های درون بدن بدست آورد.

پدیده‌ی تشدید مغناطیسی اولین بار توسط دو فیزیکدان به نام‌های فلیکس بلاچ و ادوارد پارکل به طور جداگانه کشف گردید با این کشف آنها در سال ۱۹۵۲ مفتخر به دریافت جایزه نوبل گردیدند. در سال ۱۹۷۰ دکتر ریموند دامادین به این فکر افتاد که از فراوانی آب در بدن برای تصویربرداری به روش تشدید مغناطیسی استفاده کند.

در ام آر آی ابتدا بیمار در یک میدان مغناطیسی قوی قرار گرفته و سپس امواج رادیویی به سوی او تابیده می‌شود. بافت‌های بدن در جواب به این موقعیت امواج رادیویی دیگری را از خود ساطع می‌کنند. با دریافت این امواج رادیویی که از بدن بیمار ساطع می‌شود و تحلیل این امواج توسط یک کامپیوتر پر قدرت، تصاویری بر روی مانیتور دستگاه ایجاد می‌شوند که سطح مقطعی از اندام موردنظر را نشان می‌دهند. پزشکان با استفاده از این تکنیک ارزشمند توانستند

یاد

نازنین داراب زاده

دانشجوی دکترای تکنولوژی مواد غذایی
دانشگاه تربیت مدرس

کلمات را زیر و رو می‌کنم به دنبال یافتن واژه‌ای برای شروع نوشتن، کلماتی که حروفش را صبورانه "تو" یادم دادی. همان وقت‌ها که قلم را در دستم می‌گذاشتی و بارها پا به پایم مشق نوشتن می‌کردی...

امروزها بزرگ شده‌ام اما آن روزهایم را از یاد نبرده‌ام. قد کشیدم و همراهم آمدی... جمله یادم دادی، شمرده شمرده گفתי: بابا نان داد... شعر یادم دادی، آهسته تکرار کردی "توانا بود هر که دانا بود..." حساب و کتاب یادم دادی که دو دو تا فقط می‌شود چهار تا!

برایم از جنگ‌ها گفתי، از کشورگشایی‌ها... برایم از اعماق دریاها گفתי، از اوج آسمان‌ها... ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها گذشت. بزرگتر که شدم، طاقتم که قد کشید، برایم از سیب گفתי، از میوه‌ی

به نام او



ممنوعه!

بعدترها اما، مفهیمم برایم رنگی تازه گرفتند. از لابلای نگاه همیشه مهربانم فهمیدم، بابا همیشه هم نان نمی‌دهد. بابا همیشه توان نان دادن ندارد. بزرگتر که شدم از لابلای دغدغه‌هایم فهمیدم همیشه هم او که داناتر است تواناتر نیست! فهمیدم "فلک به مردم نادان دهد زمام مراد..." بزرگتر که شدم فهمیدم دو دو تا همیشه هم چهار تا نمی‌شود! فهمیدم قانون انسانیت حساب و کتابش فرق دارد، گاهی باید دو سوی معادله‌هایمان مساوی نباشد!

فهمیدم قانون زندگی قانون باورهاست، اعتقاد به روح هستی، حساب و کتابش با معادلات کتاب‌های ریاضی ما، زمین تا آسمان توفیر دارد. شعورم که قد کشید، یادم دادی نامداری به کشورگشایی نیست، به جنگ نیست، به فتح دریاها و آسمان‌ها نیست... یادم دادی نامداری به زنده ماندن در قلب و یاد آدم‌هاست، به تجلی روح خدا بودن است، به دلارام شدن‌هاست...

یادم دادی نخوردن میوه‌ی ممنوعه آنقدرها هم آسان نبود! یادم دادی "آسمان بار امانت نتوانست کشید، قرعه‌ی فال به نام

من دیوانه زدنم... سال‌ها گذشت...

و من که تشنه‌ی دانستن، می‌آموختم، بزرگ‌تر می‌شدم و بیشتر از دریای بی‌کران علم و مهربانیت می‌نویشدم...

و تو! که قامت خمیده می‌شد، چشمانت کم‌سو و قلبت لبریز از عشق پرورش دادن...

و من که امروز کودکانه به دنبال یافتن کلماتم برای نوشتن جملاتی در وصف مقامت، و مگر می‌توان کلام را مسخر کرد به تقدیر از تو؟! تویی که روح کلامی، تویی که حروف و سخن‌ها را برایم جان دادی، تویی که راه دلم را به تفکر و اندیشه باز کردی، تویی که فرشته‌ای در والاقامت استادی!

یادم دادی برای عزیزترین‌هایم دعا کنم آنجا که دستانم خالیست و مهرشان سرشار...

برایت عمر طولانی می‌طلبم از پروردگار جان‌ها و برایت عشق مستدام می‌طلبم به وسعت نامداری‌ات...

تویی که مصداق نامدارترین‌هایی در لحظه‌لحظه‌ی اندیشه‌ام...

لطفا به کسی برنخورد!



تالنگر

فریده گیو

دانشجوی دکتری ریاضی کاربردی دانشگاه تربیت مدرس



خیلی قدیم ندیما افراد تحصیل کرده اون زمان، خیلی افراد دانا و با اخلاقی بودن. اصلا اون موقعها افراد خیلی خیلی صداقت در گفتار و کردار داشتن. حالا فرقی نمی‌کرد سواد خواندن یا نوشتن داشتن یا نه. افرادی که سواد داشتن زمانهای خیلی دور تقریبا در اکثر علوم پایه حرفی برای گفتن داشتن. اندیشمندان زیادی داریم که در شاخه‌های مختلف آگاهی داشتن مثل؛ خیام، ابن سینا و ... اما الان یه فرقی کردن آدم! میگین چه فرقی؟ خب الان بیشتر توضیح می‌دهم، اول فقط در یک شاخه کار و فعالیت می‌کنند و تخصص دارن، یعنی روی یک رشته متمرکز شدن، دوما خیلی اخلاق مدار نیستن. البته ببخشید که این حرف رو می‌زنم ولی فقط کافیه یه نگاه به دور و برمان بندازیم، پر از افراد تحصیل کرده در مقاطع مختلف و شاخه‌های متفاوت، دکتر، مهندس، استاد، معلم، مدیر، کارمند و ... هستن. انگار فقط اومدن درس بخونن، مدرکی بگیرین، درجات علمی را تا بی‌نهایت طی کنن و یه موقعیت اجتماعی را برای خود

و خانواده دست و پا کنن. حرف اول را هم که حتما حقوق و مزایا می‌زنه. خدا نکنه که کارت گیر برخی از این افراد بیفته حالا هر کجا می‌خواد باشه. حوصله که ندارن و گاهی اخلاق هم ندارن. در برخی موارد شما باید شجره‌نامه خودتان را بگویند و از موقعیت خودتان البته اگر قابل تعریف باشه مطلع‌شان کنید تا شاید کارتان راه بیفتد یا حداقل به حرفتان گوش دهند. در مواردی هم بهتر است که چیزی نگویید چون حتما کارتان گره می‌خورد در بهترین حالت، وگرنه کلی حرف در میان برایت. در برخی

اول الگویی از معرفت و اخلاق باشن برای دانشجوها و شاگردان‌شان، ولی متاسفانه در چنین محیطهایی این موضوع خیلی کم‌رنگ شده و در برخی از موارد اصلا وجود ندارد. قضاوت‌های نابجا و تصمیم‌گیری‌هایی که گاهی می‌تونه سرنوشت افراد را تغییر بده. بهتر نیست کمی صبور باشیم.

موارد افرادی که هیچ کدام از این مدارج عالی را طی نکردن معرفت بیشتری دارن و شما می‌تونید برای دنیا و حتی آخرت خودتان روی آنها حساب کنید. واقعا چرا این همه تفاوت بین این جماعت در قدیم و جدید هست؟ جدا هدف اصلی تحصیل علم چیه؟ فقط مدرک گرفتن و به دست آوردن موقعیت اجتماعی که با اوضاع و احوال جامعه امروز به این هم امیدی نیست.

و کلام آخر این که لطفا بند زمان و مکان نباشیم.

چرا معرفت و اخلاق اینقدر کم رنگ شده؟ یک استاد و معلم باید در درجه‌ی

چشم و هم چشمی

می‌کنید، آیه زیر می‌تواند به شما کمک کند:

سوره نساء، آیه ۳۲:

« وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا »
 آرزو (و توقع بیجا) در فضیلت و مزیتی که خدا به آن بعضی را بر بعضی برتری داده نکنید؛ که هر یک از مرد و زن از آنچه اکتساب کنند بهره‌مند شوند و هر چه می‌خواهید از فضل خدا درخواست کنید (نه از خلق) که خدا به همه چیز داناست.



هم چشمی واقع شده‌اند. چشم و هم چشمی برای دانشجویان می‌تواند در مزیتی مانند مورد توجه قرار گرفتن هم‌کلاسی در برابر استاد و یا در فضیلتی مثل گیرایی بالای هم‌کلاسی در فهم مطلب و باز خورد سریع او در کلاس و ایجاد رقابت ناسالم رخ دهد. اگر کسی هستید که مورد چشم و هم چشمی واقع شده‌اید خدا را شکر کنید که فضیلتی به شما داده و از آن استفاده‌ی نیکو کنید و بهتر است از شخصی که با شما رقابت ناسالم می‌کند دور شوید. ولی اگر کسی هستید که چشم و هم چشمی

هدایت

الناز عارفی فر

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس

عبارت چشم و هم چشمی به قدری آشنا است که نیازی به آوردن مصداق و مثال نباشد، بیشتر افراد یا چشم و هم چشمی کرده‌اند یا مورد چشم و

تذکره

الهام قربانعلی

دانشجوی کارشناسی ارشد سازه های آبی دانشگاه تربیت مدرس



نمی‌دانم خانه‌ها گم شدند یا آدم‌ها که اگر تمام شهر پل باشد و تمام راه آزاد حجم اندوه آدم‌ها در فینال مسابقه‌ی هر روز زبان خیابان را بند می‌آورد کاش خیابان دهان باشد و کاش آخر این خیابان خانه‌ای می‌خواهم یک نفر به خانه‌ام باز گردد



سبک زندگی زینبی

قال الله تعالى:

إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِكُمْ أَنَّ تُوَدُّوا أَلْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا

خدا به شما امر

می‌کند که امانت را به

صاحبش

باز دهید.

سوره نساء/ ۵۸

است باید دید چگونه عمل کردند. به عنوان مثال؛ توجه کنید وصیت به دختر پنج ساله، از نظر فقهی تأثیری ندارد دختر پنج ساله که مکلف نیست، ما اصلاً می‌توانیم وصی پنج ساله برای خود قرار دهیم؟! حتی از نظر حقوقی آیا اعتبار دارد یا ندارد؟! وصایایی که حضرت زهرا(ع) به حضرت زینب (س) کرده‌اند در سنی که نه تنها زیر سن بلوغ است حتی از نظر ما دوران کودکی است. اما مطابق آن وصایا را زینب کبری(س) در وقایع عاشورا در پنجاه و چند سالگی محقق می‌کند. این تعهد و مسئولیت‌پذیری و روش تربیتی که می‌آید مسئولیت را با آمیزه‌ای از محبت، معرفت و عبودیت ترسیم می‌کند. این جامعیت در تربیت بسیار مهم است حتی در عرصه‌هایی که می‌بینید عرصه‌های معرفتی است.

زمانی که زینب کبری(س) در مجلس این زیاد سخن می‌گوید و این زیاد می‌گوید: زینب سجع می‌گویی؟! خب از کسی که مصیبت زده است شما انتظار ندارید از نظر کلمات فصیح و بلیغ حرف بزند. آن هم مجلس کوفه که بعد از واقعه عاشورا و حرکت کاروان در روز یازدهم نخستین جلسه مجلس کوفه است.

توجه کنید که زینب کبری(س) یکجا با سکوت، دشمن را می‌شکند زمانی که این زیاد می‌گوید: تو کیستی؟! او زینب کبری را می‌شناسد و زینب کبری اعتنا نمی‌کند یعنی شخصیت ظاهری که برای خود ساختی برای من اعتبار ندارد. دوباره سؤال می‌کند و وقتی زینب(س) شروع به کلام می‌کند می‌گوید: گویا زبان علی در کام اوست.

خب ما هنوز منطقی ادبیات کلامی این بزرگواران (امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س)) را نفهمیده‌ایم. من بارها به دانشجویانم گفته‌ام حتی اگر بخواهیم یک تحقیق را شروع کنید، بروید خطبه‌های ائمه را بخوانید. ببینید مطلع کلامشان چیست، شروعشان چگونه و طرح مسئله‌شان چگونه است. و به چه چیز می‌خواهند جواب دهند. چگونه طرح موضوع می‌کنند چگونه برهان می‌آورند. ما درک نکردیم و سعی نکردیم این منطق را از زینب کبری(س) فرابگیریم و یا اصلاً ببینیم شیوه‌ی استدلال علمی حضرت علی(ع) چگونه بوده است، چه کسی در خصوص موارد کار کرده است؟!

امروز، هر لحظه به دنبال یک گویی بروم، نه تنها نمی‌تواند پیشکسوت باشد، بلکه به تعبیر قرآن کریم (ان تطع اکثر من فی الارض یضلک عن سبیل الله) اما اگر می‌خواهی دلیل نباشی، منشأ اثر باشی باید الگو داشته باشی، این الگوی فرازمانی و فرامکانی همان شخصیت جامع و عزت‌آفرین زینب(س) است. پس بایستی در این زمینه کار علمی بیشتری کنیم.

با توجه به این گفتمان و موارد فوق چه بکنیم تا تنها به یک بعد شخصیتی ایشان اکتفا نکنیم؟

به نظر این حقیر اولین گام توجه به روش‌های تربیتی در پرورش نسل و دخترانی شایسته بر اساس مؤلفه‌های روشن و قابل تحقق اسلامی است. توجه به روش تربیتی امیرالمؤمنین(ع) در دوران کودکی و حتی طفولیت حضرت زینب(س) و روش تربیتی حضرت زهرا(س) بالینکه مقطع کوتاهی بوده

وقوف و احاطه ما به حوادث، تدبیر و مهارت در به‌جا تصمیم گرفتن و به‌موقع عمل کردن، استقامت در راه رسیدن به مقصد درست و متعالی، صبوری و استمداد از مدد الهی، اخلاص در عمل، خداترس بودن، قدرت در بیان حقیقت و... این‌ها اموری است که امروز برای یک زن مسلمان ضروری است. براین اساس در دنیای بحران‌زده امروز افتخار ماست که شخصیتی جامع چون زینب کبری(س) پیشروی ماست و به‌عنوان چهره‌ی ماندگار تاریخ می‌تواند راهنمای هر زن آزاده‌ای باشد.

اکنون با توجه به شرایط و دوران کنونی که هر دکمه‌ای را می‌زنیم یک فضا مقابلمان باز می‌شود، یعنی هر ابزاری یک رهاوردی برای بعدی از زندگی به شما می‌دهد، روش غذا خوردن، گفتمان، آرایش کردن، لباس پوشیدن و... خب بشر امروز بیشتر از هر زمانی احتیاج دارد که یک متولوژی الگوی احسن و خوب داشته باشد. وگرنه اگر انسان

بسیار خوب، اکنون با فاصله زمانی ما از ایشان چگونه می‌توان از سیره و شخصیت ایشان در عصر کنونی بهره برد؟

توجه کنید نفس نام‌گذاری ایشان کلیدی برای حرکت زینبی است، «زین اب». ما روی اسم‌های اعضای این خانواده متعالی دقت کنیم. چرا در نام‌گذاری به رسول خدا سبقت نمی‌گیرند، نقش نام‌گذاری در شخصیت و اعتلای آن چیست؟ این وظیفه مهم آیا امروز مورد توجه است یا خیر؟ «زینب» زینت پدر، آن هم پدری چون علی(ع). او نه تنها زینت پدر که زینت مذهب، زینت تاریخ تشیع می‌شود. شما امروز وقتی با مادران شیردل و مقاوم شهدا صحبت می‌کنید، اولین کلامشان الگوگیری از زینب کبری(س) است. در تشیع راستین، زنانی وجود دارد که ما در هیچ مذهبی چنین زنانی نداریم. آنچه در قانون اسلامی است معنا و روح زندگی است چون ابزارها، افراد و زندگی هم عوض می‌شوند اما اهداف زندگی تغییر نمی‌کند؟! این اهداف است که اگر انسانی آن اهداف را دریافت، می‌تواند در آن موقف زمانی، مکانی، تاریخی و جغرافیایی به‌گونه‌ای عمل کند که رفتار او به لحاظ اهداف زندگی و ترسیم هویت زندگی فرازمانی و فرامکانی باشد. بله ابزار یک موقع شمشیر است، یک موقع سلاح هسته‌ای. اما آن کسی که از این ابزار در طریق اهداف حق یا باطل استفاده می‌کند باید دید اهداف زندگی را به‌درستی فهمیده یا خیر.





سال ششم، شماره شصت نیمه اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ آوریل ۲۰۱۸

دوهفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیرمسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سر دبیر و دبیر تحریریه: دکتر حمید مطهری
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

باتشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با ذکر منبع، مانعی ندارد



مرغ مزرعه‌ی باز، نمادی از اقتصاد مقاومتی و حمایت از کالای ایرانی



بطوریکه مرغ پرورش یافته در فضای باز از نظر تولید قابل رقابت با مرغ پرورش یافته در فضای بسته و متراکم بوده و این در حالی است که هیچگونه دارو و آنتی‌بیوتیکی هم در پروسه پرورش آنها استفاده نمی‌شود به طوری که می‌توان به جرات گفت که کاملا ارگانیک هستند.

ایده‌ی اولیه این طرح از کجا به ذهن‌تان خطور کرد؟

ایده‌های درست و موفق، حاصل تجربه سالیان و ماهها هست و اتفاقی نیستند. اگر در یک جمله بخواهم بگویم، این ایده حاصل پس‌زمینه‌ی روستایی بودن من و مشاهده‌ی مهاجرت روستاییان به شهرها به دلیل عدم درآمد کافی است. درد و دغدغه‌ای که داشتم این بود که روستاییان صاحب درآمدی باشند که بتواند کفاف زندگی‌شان را بدهد، و مجبور نباشند برای امرارمعاش به شهر مهاجرت کنند. از طرف دیگر تاکید مقام معظم رهبری بر اقتصاد مقاومتی در سالهای اخیر موتور محرکه‌ی من برای انجام این کار بود و چون با بررسی‌ها و تجربیات حوزه تخصصی خود دریافته بودم که هیچ اصلاح نژادی بر روی مرغ‌های بومی کشور انجام نشده است، بیشتر مشتاق شدم تا این کار را انجام بدهم.

به طور کلی مزایای این طرح را بفرمایید.

شاید جالب باشه خدمت شما عرض کنم که بیش از ۹۰ درصد صنعت مرغ ما (مرغ مادر، دان مرغ، ترکیب ژنتیکی و...) وارداتی می‌باشد که واقعا غیرقابل باور می‌باشد. این امر وابستگی شدید کشور در این زمینه را به وضوح نشان می‌دهد. در همین راستا چند مورد کلی در مورد مزایای این طرح این می‌باشد که:

- پدافند غیرعامل در حوزه امنیت غذایی و عدم وابستگی به منابع ژنتیکی خارجی: با توجه به اینکه در اصلاح نژاد انجام شده در طرح حاضر از ذخایر ژنتیکی داخلی استفاده می‌شود هیچگونه وابستگی به خارج از کشور وجود نخواهد داشت. از نظر اقتصادی لازم نیست ارزی از کشور خارج شود. وابستگی در این زمینه از نظر امنیت غذایی یک مورد بسیار خطرناک می‌باشد. کما اینکه همین سال گذشته یک اتفاق در صنعت مرغداری (افزایش قیمت تخم‌مرغ)، باعث تحریکات و اعتراضات اجتماعی شد. امنیت غذایی رابطه و پیوستگی مستقیمی با امنیت ملی دارد.

- اقتصاد مقاومتی با تکیه بر توان داخلی: همچنانکه مقام معظم رهبری سالهاست که بر روی این موضوع تاکید دارند. اگر تندیس اقتصاد مقاومتی را بخواهیم بترسیم، این طرح و طرح‌های مشابه باید یکی از نمادهای آن باشد.



گفتگو

بهنام حسینی‌لو

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک دانشگاه تربیت مدرس

ابتدا معرفی مختصری از خودتان برای خوانندگان چشمه ارائه بفرمایید.

بنده علیرضا احسانی فارغ التحصیل رشته ژنتیک و اصلاح نژاد دام هستم. دوره‌ی کارشناسی و ارشد خود را در دانشگاه‌های کردستان و زنجان و همین طور دوره‌ی دکتری را در دانشگاه آروس دانمارک گذرانده‌ام. از سال ۱۳۹۲ نیز به عنوان هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس مشغول به خدمت می‌باشم. من از همان اوایل بازگشت به ایران، دنبال راهی علمی و عملی بودم که توسط آن بتوان به اقتصاد روستاییان کمک کرد تا منبع درآمدی قابل دسترس برایشان ایجاد شده و از مهاجرت بی‌رویه‌ی این قشر جامعه از روستاها جلوگیری شود. که بعد از آزمایش راه‌های مختلف، در نهایت به همراه همکاران گروه علوم دامی به این نتیجه رسیدیم که بر روی مرغ بومی پژوهش چندان در کشور انجام نشده و می‌توان با اصلاح نژاد این مرغ، به اقتصاد خانوار روستایی کمک نمود.

تعریف کلی از مرغ مزرعه‌ی باز ارائه نمایید که این مرغ در کل چه تفاوتی با دیگر مرغ‌ها دارد؟

مرغ مزرعه‌ی باز را می‌توان از دو دیدگاه عامیانه و علمی تعریف کرد. تعریف عامیانه اینکه همان مرغی است که پدران و اجداد ما در روستاها از هزاران سال پیش پرورش می‌دادند و از گوشت و تخم‌مرغ آن استفاده می‌کردند. دیدگاه علمی در این زمینه، بحث اقتصادی و موردپسند بازار بودن است. طی ۱۰۰ سال اخیر، میزان تولید گوشت و تخم‌مرغ با اصلاح نژاد بصورت صنعتی رشد چشمگیری داشته است. در این شرایط، مرغ پرورش داده شده در فضای بسته و فضای متراکم، ممکن است حتی در صورت عدم استفاده از داروها و آنتی‌بیوتیک‌های خوراکی، بیماری و شناخته شده‌ی کلاسیکی نداشته باشد، اما به دلیل عدم تحرک (دارای اهمیت زیاد برای حیوانات)، موجودی ضعیف و ناسالم است که از نظر ترکیبات مغذی و ریز مغذی و همچنین طعم و سایر فاکتورهای کیفی پایین‌تر از مرغی است که در فضای باز پرورش داده می‌شود. بنابراین وقتی ماده‌ی اولیه و پرورش دهنده‌ای وجود نداشته باشد، تولیدی هم نخواهد بود. اما با در نظر گرفتن این موارد، در حال حاضر ما با اجرای این طرح در دانشگاه تربیت مدرس به موفقیت‌های چشمگیری رسیده‌ایم

این طرح داشتند و حمایت لازم و کافی را از بنده و طرح انجام داده‌اند.

همکارانی در اجرای این طرح داشته‌اید؟

قطعاً بله، در درجه اول دکتر رسول واعظ ترشیزی، که اصولاً بخشی از کارهای تحقیقاتی در زمینه مرغ بومی را ایشان انجام داده‌اند و حق بزرگی بر گردن این طرح دارند، و بنده در واقع پیگیر تحقیقات علمی ایشان بوده‌ام. مدیر محترم گروه علوم دامی آقای دکتر مسعودی و همچنین جناب آقایان دکتر مقصودی، دکتر عمرانی، دکتر جوان روح، مهندس رئیسی، مهندس دیده‌بان و مهندس شیخ‌الاسلامی در این مسیر ما را یاری نمودند.

در انتها چه انتظاری از مسئولان کشور دارید؟

بنده انتظار دارم که دولت تنها به اندازه‌ی یک دهم حمایتی که از واردات نهادهای دامی، ژنتیکی و... می‌کند، به محصولات و ایده‌های داخلی توجه کنند. ما نه پول می‌خواهیم و نه به دنبال مطرح کردن خودمان هستیم، بلکه فقط دنبال این هستیم که کار درست انجام شده، به درستی به مردم معرفی و ارائه شود. طرح مرغ مزرعه‌باز از نظر مالی، طرحی مستقل از دولت می‌باشد و می‌تواند روی پای خودش بایستد و دولت و سایر ارگان‌های حاکمیتی کارکردی جز این در این کشور ندارند.

- خودکفایی و تکیه بر کالای ایرانی که شعار انتخاب شده توسط رهبری برای امسال می‌باشد. این طرح تمامی ارکانش داخلی است. تغذیه‌اش بجای سویا و ذرت وارداتی، یونجه، شبدر و گندمی می‌باشد که در همین کشور تولید می‌شوند.

- تولید غذای سالم. در کشور ما، استفاده از آنتی‌بیوتیک‌ها در صنعت مرغداری بیداد می‌کند که عوارض شدید بر روی سلامت مصرف‌کننده‌ها می‌گذارد. این محصول، یک محصول ارگانیک است چون که همه چیزش تکیه بر غذا، مدیریت و فضای ارگانیک می‌باشد.

- ایجاد اشتغال مولد روستایی.

- کمک به حفظ ذخایر ژنتیکی مرغ بومی با اقتصادی کردن تولید و پرورش آن.

طرح در چه مرحله‌ای از پیشرفت می‌باشد؟

این طرح الان آماده‌ی ارائه به جامعه‌ی روستایی است. منتها برای ارائه‌ی این طرح نیاز به معرفی از سوی نهادهای ذیربط مثل جهاد کشاورزی، سپاه و بسیج مردمی داریم. من به عنوان یک فرد دانشگاهی، کار علمی این طرح را انجام داده‌ام اما کار معرفی و ارائه‌ی این طرح به کل کشور شاید در تخصص من نباشد چون نیاز به امکانات و تجهیزاتی هست که شدیداً نیازمند حمایت دستگاه‌های مسئول است.

حمایت دانشگاه در راستای اجرای طرح چگونه بوده است؟

من هرکاری کردم و به هر موفقیتی در این زمینه رسیدم همه از حمایت تک تک اعضای دانشگاه از ریاست محترم دانشگاه گرفته تا معاونین ایشان و همینطور ریاست دانشکده کشاورزی و معاونین و کارمندان این دانشکده می‌باشد. که همین جا از همه این عزیزان نهایت تشکر و قدردانی را به عمل می‌آورم. به خصوص ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر احمدی و همچنین معاون محترم پژوهشی دانشگاه جناب آقای دکتر فتح‌اللهی که واقعا همیشه دیدگاه مثبتی به

